



**اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت**

### مردم سر سازش با جمهوری اسلامی ندارند

(در رابطه با موضوع مذاکره جمهوری اسلامی و حزب دمکرات)

منافع و مصلحت و مبارزات مردم کردستان بوده است.

امروز سؤال اینست، رژیم اسلامی که نزدیک به بیست و چهار سال چیزی جز یورش نظامی، کشتار، اعدام، و سرکوب کار دیگری علیه مردم کردستان انجام نداده، چرا دم از مذاکره میزند؟ دلیلش روشن است. سرنگونی جمهوری اسلامی زیر فشار اعتراض و مبارزه مردم ایران و کردستان نزدیک است.

صفحه ۲

دمکرات کردستان عبدالله حسن زاده تایید کرده، که در این رابطه از طرف مامورین اطلاعات جمهوری اسلامی پیامی را دریافت کرده‌اند. شما مردم کردستان از دوران بعد از سرکار آمدن جمهوری اسلامی یعنی از سال ۱۳۵۷ تاکنون چندین دفعه در جریان رد بدل شدن چنین پیامها و حتی نشست و "مذاکره" بین جمهوری اسلامی و حزب دمکرات بوده‌اید. اما هر بار بسیار زود و به روشنی معلوم شده چنین کاری درست علیه



متن پیام رادیویی رحمان حسین زاده

مردم آزادیخواه کردستان

مدتیست که بحث "مذاکره" جمهوری اسلامی با حزب دمکرات کردستان ایران مطرح شده است. دبیر کل حزب

قادر مخمل زندانی در مهاباد حکم اعدام گرفت  
صفحه ۴

در باره حجاب و آرتایید جنسی  
صفحه ۳

### دوستان دروغین مردم

(نگاهی به یک مصاحبه عبدالله حسن زاده، دبیرکل حزب دمکرات)

عبدالله حسن زاده دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران در مصاحبه‌ای با بخش کردی رادیو سوئد(زایله) به چند مساله مختلف پرداخت: طرح حزب دمکرات برای اداره امور در شرایط فروپاشی رژیم اسلامی، پرنسیپهای حزب دمکرات برای مذاکره با جمهوری اسلامی، موضع در باره انشعاب



ایرج فرزاد

اینکه در همه تحولاتی که شبیه آنچه در سال ۵۷ در ایران اتفاق افتاد، خیلی قابل پیش بینی است که در کردستان شرایط ویژه‌ای پیش می‌آید و به صراحت بگویم در منطقه کردستان منطقه آزاد بوجود می‌آید. خوب دولتی رفته است، موسسات دولت تازه مستقر نشده است، مردم به احزاب روی می‌آورند. اداره آن منطقه بدست احزاب باید به چه شکلی باشد؟ ما برای این حالت برنامه‌ای داریم که در چنان شرایطی، هر

صفحه ۲

ایسکرا

سرمدبیر: ایرج فرزاد  
iraj\_farzad@yahoo.com  
تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵  
فکس: 00448701687574  
آدرس: K.F.K.S  
Box 15203  
104 65 Stockholm  
پست گبرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

### مجازات اعدام برای ارباب جامعه



صفحه ۴

### هراس از شکست یک سناریو سیاه

(گشت سیاسی عبدالله دارابی و سرسیمیکی سازمان زحمتکشان)

میخکوب شد، نمیتوانست کار دیگری انجام دهد، جز اینکه عبدالله سهرابی "نماینده" مریوان در مجلس اسلامی به خاتمی نامهای با محتوای "هشدار" در مورد بحران در کردستان و شهر مریوان بنویسد و هیاتی از اداره اطلاعات سپاه پاسداران سنجند به مریوان به منظور بررسی علل پوشالی بودن قدرت نیروهای رژیم گسیل شود.

اما در این میان عکس‌العمل هیستریک دار و دسته سازمان زحمتکشان عبدالله مهدتی در نوع خود جالب بود، درست مانند پروسه

صفحه ۴

است و اعتیاد و بیکاری و تن فروشی و خودکشی و خودسوزی دامن آنها را گرفته است، و شب و روز در انتظارسرنگون کردن حکومت یک مشت جنایتکار اسلامی لحظه شماری می‌کنند، موجی از شادی و امید را به همراه خود داشته است. در سطح شهر هنوز هم در مورد حضور عبدالله دارابی بحث و تبادل نظر گرم است، به همدیگر تبریک می‌گویند و امید به آزاد شدن از یوغ رژیم هار اسلامی بیشتر از هر وقتی شده است. رژیم اسلامی با این حرکت واقعا



صالح سرداری

حضور و سخنرانی عبدالله دارابی در اجتماع مردم شهر مریوان عکس العمل‌های متفاوتی را به دنبال خود داشته است. در میان مردم تشنه آزادی و برابری، مردمی که حاکمیت رژیم اسلامی، زندگی آنان را به تباهی کشانده

رادیو انترناسیونال هر شب ۸ تا ۸ و ۴۵ دقیقه بوقت تهران از روز یکشنبه اول مهر (۲۳ سپتامبر) تا روز شنبه ۴ آبان (۲۶ اکتبر) ۳۱ متر برابر با ۹۹۴۰ کیلوهرتز  
تلفن: ۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹  
اطلاعات و پیامگیر رادیو: ۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷  
روزهای یکشنبه نیم ساعت به زبان کردی

## ۰۰۰دوستان دروغین مردم

حزب برای خودش حکومت نکند باهم برنامه مشترکی برای اداره امور داشته باشیم تا وقتی که موسسات دولتی مستقر میشوند، انتخابات انجام میشود و قوانین تازه طرح میشوند ما به صراحت گفته‌ایم که باید سعی شود که در زودترین وقت که از شش ماه تجاوز نکند، در کردستان انتخابات عمومی راه بیاندازیم، در آن انتخابات مردم چه رای ای را دادند، چه کسی را انتخاب کرد آن حکومت کند. معلوم است که ما موضع ویژه‌ای در مورد دمکراسی داریم، ما فکر نمیکنیم که اگر کسی انتخابات را برد، مثلاً ۸۰ درصد آرا را بدست آورد، باید به خدا تبدیل شود. و یا حکومت مطلقه اعمال کند. درست است که او حق حکومت دارد اما ۲۰ درصد مردم کردستان اکنون حدود ۲ میلیون نفر است، یعنی دو میلیون نفر باید از همه حقوق محروم بشود؟ آنوقت حکومت حزبی درست با آن حزب ما که به قدرت رسیده است از نظر ما محکوم است. باید نماینده مردم حکومت کند، اگر هم حزب پیروز شده است مثل نماینده مردم حکومت کند، متخلفین از قانون حتی اگر از حزب منم باشد که به حکومت هم رسیده مثل بقیه کسانی که از قانون تخلف کرده اند مجازات قانونی بشوند. (ترجمه از کردی) او ادامه داد که طرح مذکور را

با کومهله قبل از انشعاب در میان گذاشتیم و بعد از انشعاب با هر "دو بخش کومهله" نیز مطرح میکنیم. در این رابطه چند سوال بلافاصله به ذهن هر انسان اندکی فکور میرسند:

۱- چرا تشکلهای توده‌ای، شوراهای و اتحادیه‌ها و نهادهای حاکمیت مردم و جریانات چپ و حزب کمونیست کارگری که اتفاقاً در چنان دوره‌هایی به شدت رشد میکنند، در طرح حزب دمکرات هیچ جایگاهی ندارند؟ مثال عبدالله حسن زاده و مقایسه با دوران بعد از فروپاشی رژیم سلطنت اتفاقاً باید ایشان را متوجه انواع تشکلهائی مانند جمعیتها، شوراهای محلات و شوراهای روستاها و اتحادیه دهقانان... کرده باشد. رهبری حزب دمکرات قاعدتاً نباید فراموش کرده باشد که در آن دوران این تشکلهای توده‌ای مردم بودند که از کانال آنها احزاب مختلف درجه نفوذ و میزان تاثیر خود را در اداره امور سنجیدند. اداره امور در آن دوران علیرغم اینکه حزب دمکرات سابقه بیشتری از کومهله آن دوران داشت، عمدتاً توسط نهادهای مردمی و نفوذی که کمونیستهای کومهله از نظر معنوی در رهبری آنها داشت میسر شد. حذف حضور مردم و تشکلهای توده‌ای در طرح حزب دمکرات زیاد تصادفی نیست.

۲- اگر از احزاب سیاسی دخیل در کردستان نام برده میشود،

چگونه است که عبدالله حسن زاده قبل از انجام چنان انتخابات آزاد و به گفته ایشان "دمکراتیک"، حزب دمکرات را تلویحاً حزب اکثریت و با ۸۰ درصد آرا مردم اعلام کرده است؟ این اعلام نتایج قبلی انتخابات "آزاد" و قسم و آیه آوردن در رعایت "دمکراسی" بدون اینکه در مراجعه مستقیم به مردم معلوم شده باشد که کاندیداهای کدام حزب اکثریت آرا را بدست آورده‌اند، از کجا آمده است و ساخته کدام دستگاه فکری و سیاسی است؟ آیا در سیستم حزب دمکرات تشکلهای توده‌ای مردم جزو تشکلهای ممنوعه و "غیر قانونی" فرض شده‌اند؟ وقتی به فلسفه چنین انتخابات "آزاد"ی در طرح حزب دمکرات میگردانیم، حذف مردم از صحنه سیاسی معنی پیدا میکند. عبدالله حسن زاده گفت که طرح آنها تا تثبیت قانون جدید و حکومت جدید در مرکز، اعتبار دارد. یعنی در واقع حزب دمکرات میخواهد پیشاپیش گفته باشد که حفظ نظم در جامعه و جلوگیری از تعرض مردم به نهادهای حکومت سرنگون شده (جمهوری اسلامی) را بعنوان حزب "اکثریت" به عهده میگیرد. حقیقت این است که در دوره‌های انقلابی و در دوره فروپاشی و سقوط جمهوری اسلامی، جامعه به چپ میچرخد و مبارزه برای برچیدن پایه‌های جمهوری اسلامی اوج میگیرد. طرح حزب دمکرات زیر زورق تمرین دمکراسی، آنها را زمانی که رژیم تازه و قوانین تازه مستقر میشوند، طرح و تصمیم حزب دمکرات است برای جلوگیری

از دخالت مردم و تشکلهای توده‌ای و نیز حذف احزاب چپ و رادیکال. اما مشکل حزب دمکرات با این طرح حل نخواهد شد، اگر سناریو دیگری برخلاف خوشبالیهای این حزب در ایران بعد از فروپاشی جمهوری اسلامی اتفاق بیافتد. پیش فرض حزب دمکرات این است که رژیم جانشین جمهوری اسلامی نوع دیگری از یک رژیم دیکتاتوری بورژوازی است. با این طرح، حزب دمکرات به این رژیم فرضی وعده حذف مردم از صحنه و ممنوعیت حضور و دخالت تشکلهای توده‌ای مردم و جریانات چپ و کمونیست را داده است. اما اگر برخلاف سناریو انتقال قدرت به جریان اسلامی در سال ۵۷، این بار در جریان سقوط و فروپاشی جمهوری اسلامی، کارگران با شوراهای خود و مردم با تشکلهای خود کنترل و سکان اوضاع را بدست گیرند، اگر چپ و کمونیسم و رادیکالیسم بار دیگر فضای سیاسی کردستان را تحت نفوذ خود قرار دهد، آنوقت حزب دمکرات چه پاسخی به دولت مرکزی چپ و سکولار و سوسیالیست خواهد داد و چگونه حذف از پیشی مردم و ممنوعیت "دمکراتیک" انقلاب و چپ و رادیکالیسم را از فعالیت سیاسی توجیه خواهد کرد؟ این سناریو با توجه به اوضاع ایران، با توجه به شکل گیری یک قطب سوسیالیستی با برنامه و حزیت یافته کاملاً محتمل است. اگر به گفته قبلی عبدالله حسن زاده، حزب دمکرات



## ۰۰۰پیام رحمان حسین زاده

رژیم به تمام معنا نگران پایان حاکمیت خودش و از دست رفتن کنترلش بر مردم است. جامعه کردستان در تمام دوران جمهوری اسلامی سنگر مهم مبارزه علیه این رژیم بوده است. در چند سال اخیر دوش به دوش مردم در سراسر ایران بیشترین اعتراضات و تظاهرات علیه رژیم اسلامی به وقوع پیوسته است. جامعه کردستان به بشکه باروتی میماند، که هر لحظه امکان انفجار آن علیه جمهوری اسلامی وجود دارد. در مقابله با این وضعیت و در چنین شرایطی رژیم توطئه به اصطلاح "مذاکره" را مطرح میکند. رژیم اسلامی فکر میکند، با طرح مذاکره و با یاری حزب دمکرات، حالت انتظار را در میان مردم به وجود میآورد، روند اعتراض

رادیکال و مبارزه قاطع علیه خود را کند میکند، خود را از زیر فشار اعتراض توده مردم نجات میدهد و در همبستگی مبارزاتی مردم کردستان و سراسر ایران شکاف ایجاد میکند و حزب دمکرات و گروههای ناسیونالیست را در خدمت اهداف خود بکار میگیرد.

از جانب دیگر حزب دمکرات و جریانات ناسیونالیست در کردستان از گسترش مبارزه رادیکال و توده‌ای نگران از این واقفیتند، که توده مردم به میدان بیایند، سرنوشت خود را به دست بگیرند، شوراهای ارگانهای حاکمیت توده‌ای و نگرانند در این پروسه نیروی رادیکال و کمونیست در معادلات جامعه دست بالا پیدا کند. به این دلایل حزب دمکرات و ناسیونالیستها دنبال

سازشاند. آماده‌اند تا با گرفتن اندک امتیازات محدودی برای حزبشان و با شریک شدن در اداره امور کردستان با جمهوری اسلامی بسازند، در نتیجه به طرف مذاکره با جمهوری اسلامی کشیده میشوند. بسیار واضح است، سازش با جمهوری اسلامی، تماماً در مقابل مبارزه بر حق مردم و جنبش رادیکال و سرنگونی طلبی و جریان چپ و حزب کمونیست کارگری قرار دارد. بویژه این دوره، دوره‌ایست که مردم در سراسر ایران به دنبال سرنگونی جمهوری اسلامی‌اند. مردم در آستانه سرنگونی جمهوری اسلامی، نه تنها سر سازش با رژیم ندارند، بلکه میخواهند تمام توان خود را به کارگیرند، تا هر چه سریعتر آن را بیندازند. درست در چنین شرایطی رفتن پای میز مذاکره با جمهوری اسلامی، معنایی جز کمک کردن به ادامه عمر این رژیم و مقابله با مبارزه مردم نیست. تازه بر

آن است. لازمست بدانیم، سیاست مذاکره کمک به نجات جمهوری اسلامی از بحران سرنگونی و کمک به تداوم عمر آنست.

## مردم آگاه و مبارز! لازمست

با هوشیاری طرح و توطئه جمهوری اسلامی را خنثی کنیم. حزب دمکرات و گروههای ناسیونالیست را تحت فشار سیاسی مجبور به عقب نشینی از سیاست سازش با جمهوری اسلامی بنماییم. حزب کمونیست کارگری ایران به همراه شما مردم در این راستا میکوشد و همین جا همه فعالین و دوستانان کمونیسم کارگری را در ایران و شهرهای کردستان به فعالیت موثر در این زمینه فرا میخوانم.

این پیام در بخش کردی رادیو انترناسیونال روز یکشنبه (۷ مهر ۱۳۸۱) پخش شده است.

\*\*\*

## در باره حجاب و آپارتاید جنسی

محمد پناهی

سران رژیم اسلامی گفته‌اند حجاب اسلامی، موجب "عصمت" زن میشود و این پرده سیاه جامعه را از "فساد" محافظت میکند. شاید بعد از بیست و چند سال حاکمیت رژیم حجاب به ضرب قمه و زنجیر و طناب‌دار لزومی برای رد استدلال مدافعین اسلام سیاسی نباشد. وسعت وحشت آور تن فروشی، و توحشی که تحت عنوان تحقیر آمیز سیغه اسلامی راه انداختند، به اندازه بیش از کفایت پوچ بودن این توجیه ارتجاعی را به همه نشان داده است. اکنون دیگر این صدای رده‌های بالای گله حجت‌الاسلامهاست که با سکه یک پول شدن اسلام، بی پایه بودن اسلامی شدن جامعه در فضای ایران پژواک یافته است. نه راه اندازی خواهران زینب، نه زنجیر و شلاق و زندان هیچکدام نتوانست حجاب اسلامی، این مظهر فاسدترین و کثیفترین

و کرنا دمیدند که: پله! مردم کشورهای "جهان سوم" حق دارند "فرهنگ" خودشان را پاس دارند. با همکاری رژیم‌های چون جمهوری اسلامی و شیوخ کشورهای خلیج مسجدها را و مدارس اسلامی را بعنوان "مراکز فرهنگی" راه اندختند و برای حفظ رابطه خود با حکام اسلامی و به منظور از دست ندادن بازار کالاهای خود گفتند و تبلیغ کردند که باید "تنوع فرهنگی" را برسمیت شناخت و آنها را احترام گذاشت. مشکل نبود در پس آن کشتارها و قمه کشیها و گردن زدنها، این منافع شرکتها و سرمایه‌داران کشورهای غربی را دید. اما نمیتوان حکومت اسلام سیاسی را بر مردم ادامه داد. جهت وزش بادها دارد عوض میشود، فهمیده‌اند که مردم ایران در اوائل قرن بیست و یکم فرهنگ قبایل چادرنشین ۱۴۰۰ سال قبل را نمی‌پذیرند، فهمیده‌اند که قلب جوان ایرانی با قلب هم سن و سالهای خود در واشنگتن و لندن و سیدنی میزند. فهمیده‌اند که جلودار مبارزه برای دستیابی به یک دنیای بهتر نمیشوند. رژیم حجاب اسلامی، رژیم آپارتاید

جنسی دارد ترک میخورد. و دولتهای بسیار دمکرات هم فهمیده‌اند که مردم ایران فرهنگ دیگری را از همان دوران به قدرت خزیند داشتند. فاصله گرفتن از رژیم اسلامی شروع شده است، محکوم کردنها و افشاگریها از رسانه‌های جمعی کشورهای غربی از نو شروع شده است. مردم انتقامجو نیستند، اما با فروپاشی و سقوط رژیم اسلامی در ایران، آنها انتظار دارند کل پرونده بده و بستانهای این رژیم کثیف با دول محترم "دمکرات" غربی برای جهانیان رو شود. باید به مردم این حق را داد که از حامیان ۲۴ سال رژیم جنایت اسلامی، ۲۴ سال حجاب و آپارتاید جنسی بازخواست کنند. دول راقبه بابت خدمات سالیان خود به ارتجاع کثیف اسلامی و تایید و توجیه بی حقوقی کودک، تحقیر زن و محرومیت انسان کارگر و زحمتکش و چشم بستن بر نسل کشیها و قتل نفس و بازار قصاص و سنگسار توسط جانوران اسلامی باید به مردم پاسخ بدهند.

\*\*\*

### مجازات اعدام...

سرتاپای مردم را فرا گرفته است، باید مرعوب کرد، جمهوری اسلامی ۵ طعمه را انتخاب کرد تا در مراسمی به کثافت اسلام، به مردم بگوید برای بقای خود در حکومت، از هیچ جنایتی فروگذار نیستند. اما کار جمهوری اسلامی از اینها گذشته است، دیگر نمیتوان مردمی را که ۲۵ سال آرزگار با صحنه‌های به مراتب وحشیانه‌تر روبرو بوده‌اند اما بر خواستها و مطالبات خود برای رفاه، و سرنگونی اسلام سیاسی از قدرت پای فشرده‌اند، مرعوب کرد و به خانه‌فرستاد.

با لغو مجازات اعدام سنگ بنای جامعه‌ای که نه بر مبنای انتقام و نفرت پراکنی، بلکه بر مبنای احترام به حرمت و اعتماد به شکوفائی انسان است، بنیان خواهیم گذاشت. صحنه محاکمات مشتت جانی اسلامی که بیش از ۲۰ سال معماران شنیعترین نسل کشیها و قتل نفسها بوده اند، برای همه مرتجعین عبرت آموز خواهد بود. اینها را از این سرنوشت محتوم گریزی نیست.

ایرج فرزاد

## ◀ دوستان دروغین مردم

میشود. باید آن اشتباه را به حساب رهبری حزب دمکرات و دفتر سیاسی آن گذاشت و نه اشتباهات شخص قاسملو. در این صورت ترور قاسملو و فقدان او نباید محملی برای شانه خالی کردن حزب دمکرات از اشتباه فاحش سیاسی خود باشد. حزب دمکرات باید صریحتر اذعان کند که از سیاست مذاکره پنهانی و بدور از چشم مردم قطعاً دست کشیده است. حاله کردن یک سیاست مماشات جویانه و بند و بستها با رژیم از بالای سر مردم به اشتباهات شخص قاسملو صادقانه نیست. ثانیاً، اگر تجربه ترور اعضا رهبری حزب دمکرات این حزب را به صرافت این انداخته است که دیگر به مذاکرات پنهانی و بند و بستها با هر مامور وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران و بدور از نظر مردم تن ندهد، در مقابل هنوز این سوال مطرح است که مذاکره در چه شرایطی و بر سر چه موضوعاتی قرار است صورت گیرد؟ آیا تصادفی است که حزب دمکرات درستی در شرایطی که جمهوری اسلامی

و یا خودمختاری؟ آیا کلمه‌ای در باره مراجعه به آرا مستقیم مردم کردستان برای طرح خواسته‌های خود در مذاکرات احتمالی گفته شده است؟ به طرز عجیبی مردم از دستگاه فکری حزب دمکرات در این زمینه هم حذف شده است. اگر مشکلی در کردستان وجود داشته باشد و مردم بخواهند در یک فرآیند و با مراجعه مستقیم به خود آنها سرنوشت خود را تعیین کنند، مذاکره از بالای سر این مردم دیگر چه جایگاهی دارد؟ و در آخر می‌خواهم به یک نکته دیگر در مصاحبه عبدالله حسن زاده بپردازم:

عبدالله حسن زاده گفت که طرح کذائی را قبل از انشعاب در کومه‌له با این سازمان مطرح کرده است و بعد از انشعاب با هر دو بخش کومه‌له نیز در میان گذاشته است. من در اینجا از "دلسوزیهای" حسن زاده برای کومه‌له و نصیحت کردن آنها برای رعایت دمکراسی و هشدار درمورد اینکه که میباید یکی دیگری را حذف کند، میگذرم. سوال این است آیا رهبری حزب دمکرات و شخص آقای عبدالله حسن زاده قائل به دو بخش از کومه‌له است؟ آیا عده‌ای را که آشکارا علیه کنگره

آنها و موازین اداره و رهبری آن آشنا هستند. لطفاً مردم کردستان را مردمی غیر متمن، غیر سیاسی، عشایر و ناآشنا با نرملهای مدنی معرفی نکنید. اینجا بازم فاکتور مردم و حضور آنها و رشد سیاسی آنها از دستگاه فکری حزب دمکرات حذف است. عجیب است حزبی که خود را حزب اکثریت مردم کردستان میداند، حزبی که فلسفه وجودی خود را دفاع از منافع مردم کردستان تعریف کرده است، در سیاست، در طرحها و در مناسبات با دیگر احزاب و گرایشهای اجتماعی تنها فاکتوری را که دخیل نمیکند، مردم است. فکر میکنم دوستان دروغین مردم وصف خوبی برای حزب دمکرات و رهبری آن باشد. دوستان گرامی! جامعه و مردم تغییراتی بنیادی کرده‌اند، دوران ارزیابی مردم کردستان بعنوان مردمی ساده و روستائی و بیسواد و غیر سیاسی مدتهاست بسر آمده است، رشد کنید! دوستان عزیز رشد کنید! عادت خوابیدن در گوش گاو را یکبار برای همیشه ترک کنید!

سپتامبر ۲۰۰۲

●●●

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## مجازات اعدام برای ارباب جامعه

موضع قربانیان باندهای بزه کار حرکت میکند. این استدلال آخوندی و اسلامی نمیتواند کسی را فریب دهد، وقتی میبینند که بزرگترین جانیان در راس جمهوری اسلامی نشستند، وقتی مردم می بینند که سازماندهندگان نسل کشیها و جنایات به مرتب فجعتر، روسای ارگانهای مختلف جمهوری اسلامی اند. خانواده رفسنجانی و عسکر اولادی و واعظ طوسی و اطرافیان بیت امام بر ثروتهای نجومی چنگ زداند. اینها زندگی صدها هزار کارگر را که حتی حقوق معوقشان را نگرفته اند در معرض تهاپی قرار داده اند. آثار مخرب روانی و اجتماعی این چپاولگری در کودکان خیابانی، در تن فروشی دختران کم سن و سال را دیگر خود جانوران اسلامی هم انکار نمیکنند. جمهوری اسلامی ۵ جوان بدبخت را در ملا عام بالای دار برد، چرا که در شرایطی که خشم و نفرت از جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی باز هم مناظر شنیع اعدام را برپا کرد. این بار قربانیان ۵ جوان ۲۶ - ۲۵ ساله بودند. جرم آنها هرچه بوده باشد، مجازات اعدام، آنهم درملا عام و طی یک مراسم کاملاً تدارک دیده شده، نه هدف اصلاح مجرمین را تعقیب میکند و نه بدست آوردن دل کسانی که قربانی تعرضهای محکومین بوده اند. این ۵ جوان را با جرثقیل در حضور مردم بالای دار بردند، روزنامههای رژیم گزارش کردند و با کمال وقاحت عکس اجرای احکام اسلامی را نیز منتشر کردند و تلویزیون جمهوری اسلامی نیز بخشی از این توحش اسلامی را به سراسر ایران مخابره کرد. توجیه قضات اسلامی این است که گویا با این اعدامها میخواهند به مردم بگویند که در جمهوری اسلامی قتل را با قتل و جنایت را با جنایت پاسخ میدهند تا به خیال خودشان مردم از آنها بپذیرند که جمهوری اسلامی از

## اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران قادر مخمل، زندانی در مهاباد، حکم اعدام گرفت \*رژیم میخواهد از زندانیان در مهاباد زهر چشم بگیرد

طبق خبری که از شهر مهاباد بدست ما رسیده است، کاربدستان رژیم در این شهر بدنبال شورش زندانیان در تاریخ ۲۴ شهریور ۸۱ (۲ سپتامبر ۲۰۰۲) در زندان مهاباد، دست به توطئه علیه زندانیان زده و فشار بر زندانیان را تشدید کرده اند. طبق این خبر اخیراً یکی از زندانیان به اسم قادر مخمل که در جریان شورش زندان با تیراندازی محمد زاده رئیس زندان مهاباد از ناحیه ران زخمی شده بود، حکم اعدام گرفته و این حکم به او ابلاغ شده است. طبق این خبر در این مدت و خصوصاً بعد از اعلام حکم اعدام قادر مخمل، مداوای او قطع شده و مداوماً تحت شکنجه و اذیت و آزار قرار گرفته است. لازم به توضیح است که جرم او شرکت در شورش زندان است. ۳۰ نفر دیگر از زندانیان نیز به همین جرم زیر بازجویی و شکنجه قرار دارند. طبق خبر رسیده یک سرباز اهل تبریز که در جریان شورش مهاباد کشته شده بود نیز توسط خود محمدزاده و با شلیک گلوله او، رئیس زندان، به جرم اینکه در مقابل شورشیان مقاومت نکرده است کشته شده است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ضمن محکوم کردن این اعمال وحشیانه در زندان مهاباد از همه مردم آزادیخواه میخواهد که علیه حکم اعدام قادر مخمل و محاکمه و شکنجه زندانیان اعتراض کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ مهر ۱۳۸۱ - ۳ اکتبر ۲۰۰۲

## ۰۰۰هراس از شکست یک سناریو سیاه از صفحه اول

سرهم بندی شدنشان تماشائی و در عین حال مضحک بود. فرمودند: کمونیست های "ضداثقلاب" هیچی نیستند. کسی آنها را نمی شناسد، "پایگاه توده ای ندارند"، "فزاری اند"، فقط در "خارج کشور" "ویرتین" دارند و ... چنان تعابیری را مهتدی در مصاحبه با یک رادیو محلی در سوئد (رادیو پیک) گفته است، مقایسه کنید با تبلیغات ژورنالیست بازجوهائی مثل شریعتمداری و واقعا ببینید چه تفاوتی دارند؟ این درجه از انکار حقیقت و این اندازه اشتراک در نفرت از کمونیسم را ردیابی نمیکنید؟

به چند نقل قول دیگر از "طیف" سازمان زحمتکشان توجه کنید: فردی به امضای کیمان در ۳۰ سپتامبر می نویسد. " ... هیاهوی قتل فاطمه در سوئد، جنجال کنفرانس برلین، و مرگ رهبران همه و همه و امروز وقتی از رفتن دارابی به میان مردم از جمله دروغ های پر شاخ و دمی است. .. که این یکی واقعا دروغ بزرگی بود".

جریانی که مدعی است "در منطقه" حضور دارد (منظورشان مفری در جوار سرای "مام" جلال است)، تا این اندازه بیگانه با مردمنده که از اوضاعی که در صدر اخبار مردم منطقه قرار گرفت نه تنها مطلقاً بی خبرند، بلکه آنرا هم انکار میکنند. توصیه میکنم این نوع نوشتهها و تکذیب نامها را بدست

دارابی در نشریه انترناسیونال هفتگی، را توهین به شعور مردم می دانم و آن را بی پایه و اساس می دانم. رضا اخگر بعد از مدتی غیبت، بعد از حضور عبدالله دارابی، دوباره سروکله اش پیدا شد و نوشت: "با توجه به آمد و رفت کاروان چی ها در مرز مریوان، حزب کمونیست کارگری کار مهمی انجام نداده اند" عجب استدلال محکمی! عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری درست چند روز بعد از لافزنیهای رحیم صفوی در میان مردم شهر مریوان حضور مییابد، و آقای رضا اخگر برای قوت قلب دادن به سازمان زحمتکشان و جمهوری اسلامی، هر دو، میگوید قاچاقچیها هم رفت و آمد میکنند! آیا واقعا سران زحمتکشان از این نوع تبلیغات روحیه میگیرند؟ وضعشان باید بسیار پریشانتر از اینها باشد که نیاز به چنین قوت قلب دادنهایی پیدا کرده اند.

واقعا سوال این است چرا سران سازمان زحمتکشان و قلم زنان پنهان شده زیر نامهای مستعار "طیف" مربوطه، این چنین دست ویای خود را گم کرده اند و به هذیان گوئی روی آورده اند؟

قرار بود مخفیانه و بدور از چشم مردم و با وساطت جلال طالبانی و دلالتی محمد حاجی محمود، اداره اطلاعات سپاه پاسداران با آنها بعنوان "کومله" پیام و پیام کاری برای پیشنهاد مذاکره ردو بدل کنند، قرار بود مردم را منتظر بندو بستهای سازمان تازه سرهم بندی شده قوم پرست ببینند که

نه بزرگ به قوم پرستی و توطئه تدارک یک سناریو سیاه گفتند. اینها با گشت سیاسی عبدالله دارابی سراب طرحهای ارتجاعی سازمان متبوع خویش و رویای برپاد رفتن سرهم بندی یک جریان آشکارا فالانژ قوم پرست کردیافتی را دیدند و بر خود لرزیدند. رودروئی با حقیقت مبارزه و خواست و مطالبه مردم، دورنمای تبدیل شدن آنها به یک سازمان فرقه ای و حاشیه ای قوم پرست را در برابر چشمانشان گرفت. باید برای فردای خود در کنار جریاناتی از قماش حزب "هوز" محمد حاجی محمود، مامنی را جستجو کنند، اینها تاب رو در رو شدن با مردمی که برای رفاه، خوشبختی و برابری و آزادی میجنگند را از هم اکنون از دست داده اند. □

سوم اکتبر ۲۰۰۲

### کمیته کردستان

دبیر کمیته:

رحمان حسین زاده

Email:

r\_hoseinzadeh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

مسئول دبیرخانه:

محمد آسنگران

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۱۹۹۶۰۵

Email:

asangaran@aol.com